



#### مقدمه:

پیامبر اسلام ﷺ در طول دوران رسالت، پیوسته به موضوع جانشینی بعد از خود اشاره کرده و به صورت مکرر آن را امری مربوط به خدا دانسته است.

صرف نظر از کتب تفسیر و تاریخ و حدیث شیعه که بر انتصابی بودن امام از سوی خداوند تصریح و تأکید دارند، این مطلب را می‌توان به روشنی از کتب اهل سنت نیز اثبات نمود.

طبری می‌نویسد: پیامبر اکرم ﷺ پس از گذشت ۳ سال از آغاز بعثت، از سوی خداوند مأمور شد که دعوت خویش را آشکار سازد، و آیه **«وَأَنْزَلُكَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»**<sup>۱</sup> در این مورد نازل

شد. پیامبر، سران بنی هاشم را جمع کرد و فرمود: «من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خداوند به من امر کرده است که شما را به آن دعوت کنم. کدام یک از شما مرا در نشر این آیین یاری می‌کند تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟» حضرت سه مرتبه این سخن را تکرار نمود و در هر بار تنها علی رضی الله عنه آمادگی خود را اعلان کرد. در این موقع پیامبر ﷺ فرمود: **«إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي فَبِحُكْمِ»**<sup>۲</sup> او برادر و وصی و

۱- شعراء/ ۲۱۴.

۲- تاریخ طبری، محمد بن جریر، چاپ بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۸۷۹ م، ج ۲، ص ۶۴-۶۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۹.

جانشین من در میان شماست.»

طبری در جای دیگری از تاریخش نقل می‌کند: وقتی آن حضرت برای تبلیغ اسلام با سران قبیله بنی‌عمر تماس گرفت، یکی از آنان حمایت خود را از وی اعلام نمود و افزود: هرگاه خداوند تو را بر مخالفان پیروز ساخت، آیا موضوع زمامداری مسلمانان پس از شما به ما واگذار می‌گردد؟ پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا مَرَّ إِلَى اللَّهِ، يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ؛ موضوع خلافت، مربوط به خدا است [و از اختیار من بیرون است]، خدا هر فردی را انتخاب کند، امامت به او محول می‌گردد.»<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام با این گونه سخنان صریح و بسیار روشن خود زمینه‌سازی نموده و اذهان را آماده می‌کرد تا آخرین پیام الهی را درباره رهبری امت اسلامی که سرنوشت اسلام و مسلمین را رقم خواهد زد ابلاغ نماید و پیوسته به مسأله مهم ولایت و رهبری بعد از خود اشاره نموده و علی علیه السلام را به عنوان بهترین فرد معرفی می‌کردند. تا اینکه وعده موعود فرا رسید و برای ابلاغ آخرین فرمان خداوند و اتمام رسالت خویش

در هنگام برگشت از سفر حج در مکانی به نام غدیر خم، در بزرگترین اجتماع مسلمین در دوران پیامبری خویش به پا خواست و به فرمان خداوند، امام علی علیه السلام و یازده معصوم از فرزندان او را به عنوام امام و رهبر مسلمین با جملاتی چون «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» که برگرفته از ولایت خداوند است، منصوب کرد.

متأسفانه بعد از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله تهاجم بس گسترده‌ای علیه ولایت امام علی علیه السلام آغاز گردید و بزرگترین هجمه‌ها علیه روایت غدیر بود، اما از آنجا که نتوانستند این پیام بزرگ و پرفروغ آسمانی را نادیده بگیرند، پیوسته به تفسیرهای ناصواب و به دور از منطق همچون تفسیر لفظ «مولا» به معنی نصرت و محبت و دوستی دست زدند تا شاید بتوانند این حدیث نورانی را تحریف کرده و کارهای توجیه‌ناپذیر خویش را توجیه کنند.

هم اکنون به بیان شواهدی می‌پردازیم که به روشنی ثابت می‌کند

۱- طبری، همان، ج ۲، ص ۸۴؛ تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۶۵؛ سیره علوی، ج ۲، ص ۳؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۲.

که مقصود از «مولی» در حدیث غدیر، همان امامت و رهبری است.

شواهد

### ۱- فرازهای حدیث شریف غدیر

رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم

فرمود:

الف - خدایی جز الله نیست، زیرا او به من اعلام فرموده است که اگر آنچه در حقّ علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده‌ام، و برای من حفظ از سرّ مردم را ضمانت نموده است و خدا کفایت کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت درباره علی بر تو نازل شده؛ یعنی خلافت علی بن ابی طالب را ابلاغ کن و اگر انجام ندهی، رسالت او را نرسانده‌ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند.»<sup>۱</sup>

ای مردم! من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام که او سلام است مرا

مأمور کرد که در این محل پباخیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که: «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَالْإِمَامَ مِنْ بَعْدِي؛ علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است.» نسبت او به من همانند هارون به موسی است جز این که پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش می‌باشد و خداوند در این مورد آیه‌ای از کتابش بر من نازل کرده است که: «صاحب اختیار شما، خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپایمی دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»<sup>۲</sup> و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می‌کند.<sup>۳</sup>

۱- مانده / ۶۷

۲- مانده / ۵۵

۳- لا إله إلا هو - لأنه قد أعلمني أنني إن لم أتبلغ ما أنزل إلي في حقّ عليّ فما بلغت رسالته، فقد ضمن لي (تيازك و تعالی) العیضه من الناس و هو الله الكافي الكريم، فأوحى إلي:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ، «یعنی فی الخلافة لعلین بن ابی طالب» و إن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یغصمک من الناس.

تعاشر الناس اما قصرت فی تبلیغ ما أنزل الله تعالی علیّ، و أنا أبین لكم نیت هذه الآية.

ج - «أَلَا إِنَّ جَبْرِئِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَكَم يَتَوَلَّهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي؛ بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می‌گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد.»

د - «مَعَاشِرَ النَّاسِ ... مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَحْسَى وَوَصِيِّيَ وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ؛ ای مردم هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار اوست

إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَبِطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا بِأَمْرِي عَنِ السَّلَامِ رَضِيَ وَهُوَ السَّلَامُ أَنْ أَعْرَفَ فِي هَذَا الشَّهَادَةِ، فَأَعْلِمُ كُلَّ أَتْبَعِي وَأَسُوهُ أَنْ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ، أَحْسَى وَوَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَيَّ مِنَ الْإِمَامِ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَخَّلَهُ مِنِّي مَخْلَ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَسْبَ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِي:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ يَمِينُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائدة، / ۵۵)

وَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ خَالٍ.

۱ - معاشیر الناس لا فضلوا عنه ولا تنفروا منه، ولا تستنكبوا من ولایتیه، فهو الذي يهدي إلى الحق و يغفل به، ويزهق الساطع و ينهي عنه، ولا تأخذ في الله لومة لائم.

معاشیر الناس فضلوا الله، و قبلوه فقد نصبه الله. معاشیر الناس إله إمام من الله، و لمن يتوب الله عن أحد أنكر ولايته و لمن يفتقر الله له، حتماً على الله أن يفعل ذلك معن مخالفة أمره فيه و أن يعذبته عذاباً كثيراً، أبداً الأباد و دهر الدهور.

فأخذوا أن يخالفوه فتصلوا ناراً و قودها الناس و الجحازة أعدت للكافرين.

ب - ای مردم! از او (علی علیه السلام) به سوی دیگری گمراه نشوید، و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سرباز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می‌کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می‌نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده‌ای او را مانع نمی‌شود.

ای مردم! او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ إِمَامٌ مِّنَ اللَّهِ، وَ كُنْ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيَّ أَحَدٍ أَنْكَرَ وَ لَاتِيَّتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ...»

ای مردم! او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس سپر هیزید از این که با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده شده است.»<sup>۱</sup>

واو علی بن ابی طالب، برادر و جانشین من است و ولایت او از جانب خداوند متعال است که بر من نازل کرده است.» ه- «أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَزَّيْ أَخِي هَذَا؛ بدانید من پیام خدا را رساندم، و وظیفه خود را ادا کردم، بدانید که من شنوایم، بدانید که من (مسأله ولایت و امامت را) توضیح دادم و روشن نمودم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عَزَّ وَجَلَّ می گویم، بدانید که امیرالمؤمنین جز این برادرم علی نیست.»

يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ، وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ؛

ای مردم! خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس به او و کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند اقتدا نکند، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود، عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنان مهلت داده نمی شود.<sup>۲</sup>

## ۲- اقرار علمای اهل سنت

و- «مَعَاثِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي، وَ وَصِيِّي وَوَاوَعِي عَلَمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي... إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ...»

ای مردم! این علی برادر من، وصی من، جامع علم من و جانشینم در میان امت من می باشد... او خلیفه رسول خدا، امیرالمؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند است.»

ز- «مَعَاثِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا اكْمَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَ يَمُنْ

۱- اشاره به امامت ائمه معصومین عليهم السلام از فرزندان امام علی عليه السلام است.

۲- عسلا مة امينى، الغدير، ج ۱، ص ۱۵۹.  
- الاحتجاج، ابی منصور احمد بن علی ابن ابی طالب الطبرسی، تحقیق ابراهیم بهادری، و محمدهادی به؛ با اشراف علامه جعفر سبحانی، (تهران، انتشارات اسوه، التابعة لمنظمة الاوقاف والشؤون الخيرية، ۱۴۱۳ هـ ق)، ج ۱، صص ۱۳۸ - ۱۶۰.

تفسیر الصافی، محسن فیض کاشانی، (مشهد، دارالمرتضی للنشر بی تا) ج ۲، صص ۵۲-۶۶.  
ر.ک: واقعة الغدير الكبرى، محمد الدشتی و اسرار غدیر، محمدباقر انصاری.

به پیامبرش فرمان داد که در مورد علی علیه السلام تبلیغ نماید. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر کس که من آقا و مولایش

جمعی از علمای اهل سنت با نقل روایات متعدد، مقصود از آیه شریفه (تبلیغ) و حکم موجود در آن را، معرفی ولایت علی علیه السلام ذکر می کنند.

(الف) عن أبي سعيد الخدري قال: تَرَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۗ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ حُحْمٍ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛

از ابی سعید خدری روایت شده که گفت: آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...﴾ در روز غدیر خم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد علی بن ابی طالب نازل شده است.

(ب) عن ابن عباس في قوله (تعالى): ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ قَالَ: تَرَلَّتْ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَمَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُبَلِّغَ فِيهِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ وَغَادٍ مِنَ غَادَاهُ؛<sup>۱</sup>

از ابن عباس در مورد آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...﴾ روایت شده است که گفت: در مورد علی علیه السلام نازل شد. [خداوند در این آیه]

۱- تعداد زیادی از علما و مفسران اهل سنت می گویند: آیه تبلیغ در روز غدیر خم برای اعلان ولایت و امامت علی علیه السلام نازل شده است:

جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، (بیروت، المكتبة الشعيه)، ج ۲، ص ۳۲۷، ذیل آیه شریفه؛ فخرالدین محمد بن عمر بن الحسن، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۴۹، ذیل آیه شریفه؛ رشیدرضا الوهابی مذهباً، تفسیر المنار (بیروت، دار المعرفه، الطبعة الثانية)، ج ۶، ص ۴۶۳، ذیل آیه شریفه؛ قاضی محمد بن علی الشوکانی الیمانی، تفسیر فتح القدير، ج ۳، ذیل آیه شریفه؛ سیدمحمود بن عبدالله الالوسی البغدادی، تفسیر روح المعانی، ج ۲، ذیل آیه شریفه؛ حافظ بن عساکر الشافعی، تاریخ دمشق، شرح حال امیرالمؤمنین، ج ۲، ص ۸۶، ح ۵۸۹؛ شیخ ابی الحسن علی بن أحمد الواحشی النیسابوری، أسباب النزول (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ هـ)، ص ۱۳۵؛ غیاث الدین بن همام الدین الحسینی المشتهر به خوان میر، حسیب السیر، طهران، مطبعة الحیدری، ج ۲، ص ۱۲؛ شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع المودة، بیروت، (مؤسسة الاعلمی للمطبوعات)، ج ۱، ص ۱۱۹، باب ۳۹؛ حافظ ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله بن أحمد الحسکانی، شواهد التنزیل، حققه و علق علیه الشیخ محمدباقر المحمودی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، ۱۳۹۳، ج ۱ ص ۱۸۷، احادیث شماره ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۱۹۲؛ حافظ أحمد بن عبدالرحمان ابی بکر الفارسی شیرازی، ما نزل القرآن فی علی علیه السلام، ص ۶۸؛ بدرالدین محمود الشهیر بابن العینی الحنفی، عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری، ج ۸، ص ۵۸۴.

آن روز پرورش یافته بود و لزوم دوستی با افراد با ایمان، تا چه رسد نسبت به مؤمنی مانند علی علیه السلام، چیز مخفی و پنهانی نبود که پیامبر آن را در اجتماع بزرگ اعلام بفرماید.

دو: این مسأله این قدر هم اهمیت نداشت که در ردیف اصول سه گانه قرار گیرد.

#### ۴- بیعت ابوبکر و عمر

طبق نقل علماء، مفسران و مورخان بزرگ اهل سنت، عمر و ابوبکر اولین کسانی بودند که بعد از خطبه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم برای معرفی امام علی علیه السلام به عنوان وصی و امام بعد از خود، با علی علیه السلام به عنوان امیر المؤمنین و امام المسلمین با بیان جملاتی چون «بَخَّ بَخَّ يَا عَلِيُّ أَضْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ يَا هُنَيْئًا لَكَ يَا أَيْنَ أَبِي طَالِبٍ أَضْبَحْتَ وَأَمْسِنْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ»<sup>۱</sup> (ای علی بر تو

هستم، پس علی آقا و مولای اوست؛ خداوندا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار.

این آیه دلیل بسیار روشنی است بر این که مقصود از «مولا» جز امامت و رهبری چیز دیگری نیست.

#### ۳- اقرارگیری از مردم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز سخن، از مردم بر سه اصل مهم اسلامی اقرار گرفت و فرمود: «أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ لَأِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ؟»

هدف از این اقرارگیری چیست؟ آیا جز این است که می خواهید ذهن مردم را آماده کند، تا مقام و موقعیتی را که بعداً برای علی علیه السلام ثابت می کند، بسان اصول پیشین تلقی نمایند و بدانند که اقرار به ولایت و خلافت وی، در ردیف اصول سه گانه ای است که همگی به آن اقرار و اعتراف دارند؟ اگر مقصود از مولی، دوست و ناصر باشد، در این صورت رابطه جمله ها به هم خورده و کلام، بلاغت و استواری خود را از دست می دهد، زیرا:

یک: علی علیه السلام منهای ولایت، یک فرد مسلمان برجسته بود که در جامعه

۱ - حافظ بن عساکر الشافعی، تاریخ الدمشق، شرح حال امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۵۲ - ۴۷ و ص ۷۸ - ۷۶، احادیث شماره ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۷۹، ۵۸۰؛ فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین، التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۴۹، ذیل آیه «تبلیغ» (مانده / ۶۷)؛ اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۱۲؛ شیخ سلیمان قندوزی حنفی، بنایع

مبارک باد که امروز مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی» یا «گوارا باد بر تو [این ولایت و امامت] ای پسر ابی طالب که امروز مولای من و مولای هر مرد و زنی گشتی» بیعت کردند.

### ۵- شأن نزول آیه اکمال‌الدین

جمع زیادی از مفسرین و مورخین اهل سنت در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که بعد از اعلان ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روز غدیر خم و بیعت مسلمین با آن حضرت به عنوان امام و وصی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، آیه شریفه «اکمال» (مائده/۳) نازل شد.

وقتی که آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، حضرت فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ بَعْدِي (ثُمَّ قَالَ) مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْ مَوْلَاةِ اللَّهِ وَالْمِنْ وَالْمِنْ وَالْوَالَةَ وَعَادَ مِنْ عَادَاتِهِ وَأَنْصُرَ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذَلُ مَنْ خَذَلَهُ»<sup>۱</sup>

المودة، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹؛ صدرالدین الحموی الشافعی، فراند السمتین، ج ۱، ص ۷۷، باب ۱۳، ح ۴۴ و ص ۷۰، باب ۱۲، ح ۳۸؛ احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، المسند،

ج ۴، ص ۲۸۱؛ حافظ عبدالرحمان بن علی بن محمد ابی الخرج ابن الجوزی، المناقب؛ ابی الفرید الموفق بن احمد خطیب خوارزمی، المناقب، ص ۹۴؛ ابی الحسن علی بن محمد الحلالی المعروف به «ابن المغازلی الشافعی»؛ المناقب، ص ۱۸ و ۲۴؛ جلال الدین السیوطی الشافعی، الحاروی للفتاوی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ محب الدین ابو جعفر احمد بن عبدالله الأذرعی، بدیع المعانی، ص ۷۵؛ ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد الحسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۲۱۰ و ص ۱۵۸، ح ۲۱۳؛ الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰؛ ابن حجر العسقلانی، الصواعق المحرقة، ص ۲۶؛ المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۷؛ شیخ محمد حبیب الله بن عبدالله الشقیطی المدنی المالکی، کفاية الطالب لمناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۸؛ جمال الدین محمد الزرنندی، درر السمطين فی مناقب السطین، ص ۱۰۹؛ ابی المظفر یوسف بن قزواغلی بن عبدالله البغدادی شمس الدین الملقب به سبط ابن الجوزی الحنبلی ثم الحنفی، تذکرة الخواص، بیروت، مؤسسه أهل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۱ هـ، ص ۳۷؛ ابی حامد محمد الغزالی، سیر العالمین وکشف ما فی الدارین، ص ۲۱؛ ابی عبدالله محمد بن عبدالباقی الزرقانی المالکی، شرح المواهب اللدنیة، ج ۷، ص ۱۳؛ محمدرشید رضا، تفسیر المنار، بیروت، دار المعرفة، الطبعة الثانية، ج ۶، ص ۴۶۵، ذیل آیه شریفه «تبلیغ، مائده / ۷۱»؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۴۱۷.

۱- حافظ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۷، حدیث ۲۱۱؛ محمد الحموی، فراند السمتین، ج ۱، ص ۷۴، ذیل آیه شریفه؛ البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۷ و صفحات بعد از آن؛ حافظ بن عساکر الشافعی، ترجمه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام من مدینة دمشق، ج ۲، ص ۸۵، ح ۵۸۸؛ ابن المغازلی الشافعی، المناقب، ص ۱۹؛ الیعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰؛ ابن الجوزی الحنفی، تذکرة الخواص، ص ۳۷؛ السیوطی الشافعی، تفسیر درالمثنور، بیروت، المكتبة الشیعیة، ج ۲، ص ۲۵۱، ذیل آیه شریفه؛ شیخ



«ای محمد! سه سؤال از تو دارم: آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خودت را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ آیا درباره علی بن ابی طالب که گفتی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَعَلِيٌّ مَوْلَا...» از جانب پروردگارت گفتی یا از پیش خود گفتی؟

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند:

«خداوند به من وحی کرده است و واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم خبری اعلان نمی‌کنم.»  
حارث گفت: «خدایا، اگر آنچه

سليمان قندوزي، يتابع المودة، چاپ يك جلدی، ص ۱۱۵؛ الخوارزمي الحنفی، المناقب، ص ۸۰؛ الألوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۶، ذیل آیه شریفه؛ الثعلبی، تفسیر الکشف و البیان، ذیل آیه شریفه؛ عبدالله الحنفی، أرجح المطالب، ص ۵۶۸؛ الخوارزمی الحنفی، المقتل الحسین، قم، منشورات مکتبه المفید، ج ۱، ص ۴۷؛ عبدالله الشافعی، المناقب، ص ۱۰۶.

۱- محمد الجوینی، فرآند السمطین، ج ۱، ص ۷۶، باب ۱۲، احادیث شماره ۴۱، ۴۲ و ۴۳.

جوینی در روایتی دیگر نیز در این باره نقل می‌کند:

عن جعفر بن محمد قال: «حدّثنی ابي، عن جدّي أن رسول الله ﷺ عمّم علی بن ابی طالب صلوات الله عليه و آله عمامته السحاب فأرحاها من بین یدیه و من خلفه ثم قال: أقبل، فأقبل ثم قال له: أدبر، فقال: هكذا جاءتنی الملائكة.»

الله اکبر بر تکمیل شدن دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی بعد از من. هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست. خداوند، آن کسی که او را دوست دارد دوست بدار، و آن کس که او را دشمن دارد، دشمن بدار، و هر کس او را یاری کند، یاری کن و هر کس او را خوار کند خوار گردان.»  
آیا کمال دین و اتمام نعمت پروردگار به امامت و رهبری است یا به دوستی و محبت؟!

#### ۶- تاج گذاری

پیامبر ﷺ در مراسم غدیر خم عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان نمودند و فرمودند: «عمامه تاج عرب است.» خود امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرمود:

«عَمَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ بِعِمَامَةٍ قَدَلْ طَرَفُهَا عَلَيَّ مِنْ كِبِي وَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَتَى نَبِيَّ يَوْمَ بَدْرٍ حَتَّى يَمْلَأَ لِيكَ مِعْتَمِينَ بِهَدْيِهِ الْعِمَامَةَ.»

رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم عمامه‌ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین، مرا به وسیله ملائکه‌ای که چنین عمامه‌ای بر سر داشتند یاری نمود.»

#### ۷- معجزه و امضای الهی

حارث فهری به همراه دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت:

ایمان بود و دیگر نیازی نبود که پیامبر اکرم مستقلاً درباره دوستی و مودت علی علیه السلام داد سخن بدهد.

اینکه هدف از حدیث غدیر بیان مراتب دوستی و نصرت علی علیه السلام بوده و مولی به معنی محب و ناصر است، یک نوع اشکال تراشی کودکانه است و از تعصب‌های کور مسایه می‌گیرد، بلکه به حکم قرائن پیشین و شواهد دیگری که با دقت در سراسر خطبه به دست می‌آید، کلمه مولی در حدیث غدیر یک معنی بیش ندارد، و آن اولی به تصرف است.

محمد می‌گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر ما بارید یا عذاب در دناکی بر ما بفرست.»

و در روایت دیگر چنین است: «خدایا، اگر محمد در آنچه می‌گوید صادق و راستگو است، شعله‌ای از آتش بر ما بفرست.» همین که سخن حارث تمام شد و به راه افتاد، خداوند سنگی را از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از دُبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد.

بعد از این جریان آیه «سَأَلْنَا رَبَّكَ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِّلْكَافِرِينَ لَئِن سَأَلْتَهُ لَنَنزِلَنَّ عَلَيْهِ سُحُوفًا مِّن سَآءٍ يَّهْبِطُ بِهَا حِجَابًا يَّجْعَلُ الْوَقوفَ عَلَيْهِمْ سُرَّةًا يَّجْعَلُ الْوَقوفَ عَلَيْهِمْ سُرَّةًا يَّجْعَلُ الْوَقوفَ عَلَيْهِمْ سُرَّةًا» نازل شد. پیامبر به اصحابشان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند: آری.<sup>۱</sup>

و با این معجزه، بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است.

#### ۸- شرایط بیان حدیث

هرگاه مقصود از بیان حدیث غدیر، مراتب دوستی علی علیه السلام بود، دیگر لازم نبود که پیامبر اکرم در هوای گرم کاروان صدهزار نفری را از رفتن باز بدارد و مردم را در آن هوای گرم روی ریگ‌ها و سنگ‌های بیابان بنشاند و خطابه مفصل بخواند.

مگر قرآن با آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۲</sup> افراد جامعه با ایمان را برادر یکدیگر نخوانده بود؟

قرآن، در آیات زیادی افراد با ایمان را دوست یکدیگر معرفی کرده است. علی علیه السلام نیز عضو همان جامعه با

۱- معراج / ۱.

۲- این روایت را بسیاری از علمای اهل سنت در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی، الجامع لأحكام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۲۷۸، ذیل آیه شریفه؛ سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۱۰۳۰؛ جمال الدین محمد الزرنندی الحنفی، نظم درر السمطين، طهران، مکتبه نینوی الحدیقه، ص ۹۳؛ ابی السعود محمد بن محمد العمادی، تفسیر ابی السعود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۸، ص ۲۹، اول تفسیر سوره معارج؛ المناوی، فیض القدیر، شرح الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، الطبعة الثانية، ۱۳۹۱ هـ، ج ۶، ص ۲۱۸، در تفسیر حدیث ۹۰۰۰؛ السیره الحلبیة، ج ۳، ص ۳۳۷؛ نور الأبصار، ص ۷۸؛ الشبلنجی؛ شیخ سلیمان قندوزی، منابع الموده، بیروت، مؤسسة الاعلمی المطبوعات، ج ۲، ص ۹۹، باب ۵۸.

۳- حجرات / ۱۰.